



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۳۷
۱۸ آذر ۱۳۸۳
۸ دسامبر ۲۰۰۴

ایسکرا

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

شانزده آذر روز قدرت نمائی جنبش سوسیالیستی

علیه رژیم و برای آزادی زندانیان سیاسی و نان و آزادی و برابری شعار دادند، پلاکاردهائی در همبستگی با کارگران، معلمان و پرستاران، علیه حکومت مذهبی و علیه آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی به اهتزاز

صفحه ۳

شانزده آذر و روزهای قبل از آن جامعه ایران شاهد تحرکی وسیع برای برپائی این روز از یکطرف و شعارهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه از طرف دیگر بود. هزاران نفر در تهران در اجتماع اعتراضی ۱۶ آذر گرد آمدند و

آینده از آن ماست پیام حمید تقوائی بمناسبت برپائی پر شکوه ۱۶ آذر

برپائی شکوهمند ۱۶ آذر را به دانشجویان و جوانان و کارگران و به همه مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران

صفحه ۲



۱۶ آذر در شهر سنندج

صفحه ۶

آیا مبارزه مسلحانه در کردستان ضرورت دارد؟

در پاسخ به یک سؤال

صفحه ۵

سهیلا شریفی

گرامیداشت سالگرد تشکیل حزب در شهر سنندج

صفحه ۶

پیرامون بیانیه مشترک حزب دمکرات
و حزب پان ایرانیست

صفحه ۴

محمد شکوهی

آدم ربایی جمهوری اسلامی در بوکان

صفحه ۲ و ۶

اعتصاب کارگران کارخانه شاهو در سنندج
و پایان موفقیت آمیز آن

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سوسیالیستهای ضد فقر و تبعیض و نابرابری خواهد بود. آینده از آن ماست .

به همه دانشجویان درود میفرستم و دست همه فعالین ۱۶ آذر را به گرمی میفشارم. به امید پیشرویها و پیروزی های بزرگتر!

حمید تقوائی، دبیر
کمیته مرکزی حزب
کمونیسست کارگری ایران
۱۶ آذر ۱۳۸۳

دانشجویان و مردم معترض در تهران و دیگر شهرهای ایران همچون نبض پر تپش روز آزادی و برابری عمل کرد. چپ ۱۶ آذر را بنام خود تثبیت کرد و این تنها آغاز کار ماست. این نمونه کوچکی از انقلاب عظیمی است که در راهست. انقلابی که می آید انقلاب ما کنفرانس برلینی ها، ما کانال جدیدیها، ما شورائی ها، ما آزادیخواهان پیگیر و

و آزادی و برابری برای همه ، به چیزی کمتر از سوسیالیسم رضایت نخواهد داد .
۱۶ آذر امسال روز کمونیسست کارگری بود. حزب ما با تمام امکانات خود و بویژه با رادیو و تلویزیون انترناسیونال از مدتها قبل به استقبال ۱۶ آذر شتافت، گام بگام به تدارک آن برخاست و در طی این روز با پخش ۸ ساعت برنامه تلویزیونی زنده و مرتبط با

آینده از آن ماست

روزی که جنبش دانشجویی بعنوان بلندگو و نماینده کارگران و زنان و معلمان و پرستاران و همه دردمندان جامعه قد برافراشت و اعلام کرد زندانی سیاسی باید آزاد شود، اعلام کرد زنان باید آزاد و برابر زندگی کنند، اعلام کرد تبعیض باید از میان برخیزد و اعلام کرد به چیزی کمتر از نان

سردبیر
ایسکرا
منصور فرزاد

Tel: 0046 734 484 262
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر
کمیته کردستان
محمد آسنگران
tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال
۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش
سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیوی را معرفی کنید

۴۱ متر برابر
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

آدم ربایی جمهوری اسلامی در بوکان یک هشدار است و باید با عکس العمل فوری نهادهای بین المللی و سازمانهای سیاسی مواجه شود

آزادیخواه در سراسر ایران تجربه مبارزاتی شما در همین هفته ها و ماههای اخیر نشان میدهد که جمهوری اسلامی بشدت شکننده است و در برابر مبارزه پیگیر شما تاب مقاومت ندارد. اینکه این اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی ادامه پیدا میکنند یا متوقف میشود، دقیقاً بستگی به عکس العمل امروز ما دارد. حزب کمونیسست کارگری شما را فرامیخواند که با اعتراض وسیع خود، درس خوبی به حکومت اسلامی بدهید و همبستگی خود را هرچه گسترده تر با خانواده حسینی نشان دهید. این مساله را میتوان و باید به شکستی برای حکومت اسلامی و یک پیروزی برای مردم تبدیل کرد. مبارزه ما باید نه تنها آزادی این سه نفر را تضمین کند بلکه به یک همبستگی عمیق میان مردم تبدیل شود.

کمیته کردستان حزب کمونیسست کارگری ایران
۱۲ آذر ۱۳۸۳، ۲ دسامبر ۲۰۰۴

تلفن و آدرس تماس:
۰۰۴۹-۱۶۳۳ ۴۵۸۰۰۷
asangaran@aol.com

طبق اخباری که از طرف خانواده حسینی انتشار یافته است، روز دوشنبه ۸ آذر (۲۸ نوامبر)، مامورین حکومت اسلامی با یورش شبانه به منزل خانواده حسینی در شهر بوکان، پس از اذیت و آزار این خانواده سه برادر به اسامی عزالدین، محسن و یاسین حسینی را دستگیر میکنند. بعد از مراجعه خانواده دستگیرشدگان، اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرده است که از این افراد خبری ندارد. لازم به توضیح است که این خانواده از خانواده های محبوب و شناخته شده بوکان میباشد.

حزب کمونیسست کارگری، ضمن محکوم کردن حکومت اسلامی بخاطر این آدم ربائی آشکار، آترا یک هشدار تلقی میکند و با تمام قوا برای آزادی دستگیرشدگان تلاش خواهد کرد. حزب همچنین از همه احزاب و سازمانهای سیاسی و سازمانها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق انسان میخواهد که نسبت به این اقدام رژیم فوراً عکس العمل نشان دهند و برای آزادی دستگیرشدگان فوراً دست به اعتراض بزنند.

مردم مبارز بوکان، مردم

به مردم بوکان ، در مورد دستگیری عزالدین، محسن و یاسین حسینی

جنایتکار اسلامی بلافاصله آنها را آزاد کند. ما برای نجات این سه برادر، تماس با نهادهای مدافع حقوق انسانی و با کمیسیونهای حقوق بشر در سطح اتحادیه اروپا را شروع کرده ایم و با تمام قوا برای آزادی آنها و تحت فشار گذاشتن حکومت اسلامی تلاش خواهیم کرد. نباید بگذاریم حکومت اسلامی آدم ربائی را در کردستان هم گسترش دهد. در مقابل این رفتار حکومت اسلامی باید قاطعانه ایستاد. از همه مردم مبارز بوکان و مردم مبارز در سایر شهرها میخواهیم تا با عکس العمل وسیع خود عزالدین و محسن و یاسین را از چنگ مامورین حکومت اسلامی نجات دهند. تجربه مبارزه در سقز و سنندج و سایر شهرهای ایران نشان میدهد که حکومت اسلامی در موقعیت شکننده ای بسر میبرد و از پر و بال گرفتن اعتراض مردم بشدت وحشت دارد.

محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان حزب کمونیسست کارگری ایران

۳ دسامبر ۲۰۰۴

عزالدین و محسن و یاسین حسینی سه برادر در شهر بوکان از سوی مامورین حکومت اسلامی در یک یورش شبانه به منزلشان دستگیر شده اند. اما اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، به انکار دستگیری این افراد پرداخته و اکنون معلوم نیست که این سه برادر در چه محلی زندانی هستند. باید فوراً برای آزادی این سه نفر دست بکار شد.

همه ما میدانیم که جمهوری اسلامی ایران یک ماشین جنایت است، اکنون که خود را در چنبره نفرت و اعتراض عمومی می بیند میکوشد از طریق این نوع جنایات میخواهد عمر ننگینش را طولانی تر کند. این تعرض بیشرمانه حکومت را باید پاسخ درخوری بدهیم.

از همه شما مردم بوکان دعوت میکنیم که فوراً به این دستگیری اعتراض کرده و خواهان آزادی این سه برادر شوید. با تجمع در مقابل در زندانهای حکومت در بوکان، با جمع آوری طومار اعتراضی و امضا، با ابراز همبستگی با خانواده حسینی در بوکان، با ایجاد کمیته های حمایت از این سه برادر و با هر اقدام دیگری که برایتان امکانپذیر است کاری کنید که حکومت

شانزده آذر روز قدرت نمائی جنبش سوسیالیستی

درآوردند و جلسه خاتمی را به محاکمه او تبدیل کردند. در سایر شهرها نیز تحرك اعتراضی وسیع بود و صرفنظر از اینکه تا چه اندازه نیروهای سرکوب موفق به جلوگیری از تجمعات اعتراضی شدند اما همه جا شعارهای ویژه ۱۶ آذر، شعارهای آزادی و برابری و سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض نقش بست و جامعه را متوجه خود نمود.

امروز شانزده آذر، سه اتفاق مهم فضای جامعه را تحت تاثیر قرار داد. سه اتفاقی که هرکدام به نوبه خود اهمیت سیاسی قابل توجهی نه تنها برای اعتراضات دانشجویی که برای کل جامعه ایران خواهد داشت:

جنبش کمونیسم کارگری تماما مهر خود را بر حرکت اعتراضی امروز در دانشگاههای کشور کوبید و آزادیخواهی و برابری طلبی را که از شانزده آذر سال قبل در دانشگاه به اهتزاز درآمده بود، در ابعادی وسیعتر تثبیت کرد. شعارها و پلاکاردهای نان و آزادی برای همه و آزادی و برابری، پلاکارد آزادی زن آزادی همگان است و این جمله مشهور مانیفست "در راه مبارزه جز زنجیرهایمان چیزی

برای از دست دادن نداریم"، بار دیگر يك جامعه تشنه نان و رفاه و آزادی و برابری را متوجه خود کرد. اینها عمیق ترین و وسیعترین و متحدکننده ترین مطالبات مردم محروم و استثمارشده جامعه است و بیش از هر شعار و مطالبه ای مورد استقبال گسترده و گرم مردم قرار میگیرد.

ثانیا، تمام تلاش نیروهای سرکوب و تهدیدها و بگیر و بندها که با نزدیک شدن به شانزده آذر بیشتر و بیشتر میشد، ناکارآمدی خود را به همگان نشان داد. عزم و اراده توده های وسیع دانشجویانی که نه تنها به کمتر از سرنگونی حکومت اسلامی که به کمتر از آزادی و برابری و رفاه برای همه مردم رضایت نمیدهند، تلاش همه جانبه جمهوری اسلامی و آماده باش نیروهای امنیتی و انتظامی را خنثی کرد، و به دنیا اعلام کرد که جمهوری اسلامی حریف مردم نمیشود. از شروع سال تحصیلی امسال تحرك وسیعی در سراسر کشور در دانشگاهها شروع شد و سرانجام علیرغم سرکوب و دستگیری دانشجویان در هفته های اخیر که به قصد ارباب و جلوگیری از تجمعات شانزده آذر صورت میگرفت، به تجمع

هزاران نفره در تهران و و تحركات قابل توجهی در سایر شهرها منجر گردید. شانزده آذر مقدمه تحرك اعتراضی گسترده تر بخشهای مختلف مردم خواهد بود.

و بالاخره تاثیر شگرف و عظیم رسانه های حزب کمونیست کارگری و مشخصا تلویزیون انترناسیونال در دانشگاهها و در فضای سیاسی شهرهای مختلف ایران و بویژه برنامه زنده هشت ساعته در خود روز شانزده آذر در دامن زدن به فضای اعتراضی و تثبیت خواستها و شعارهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه، برای هیچکس قابل کتمان نیست. تلویزیون انترناسیونال مدتها است به فاکتور سیاسی مهمی در اوضاع سیاسی کشور، به نفع جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، علیه رژیم منفور اسلامی و علیه جنبش های ارتجاعی و دست راستی در اپوزیسیون تبدیل شده است. تلویزیون انترناسیونال امروز شانزده آذر با پخش هشت ساعت برنامه زنده، گام مهم دیگری به جلو برداشت، ارتباط مستقیم با مردم برقرار کرد، دهها نفر از شهرهای مختلف ایران و اروپا با آن تماس گرفتند و به مردم

گزارش دادند و رهبران حزبی با مردم صحبت کردند. این تلویزیون به خانه میلیونها نفر راه یافته و به بلندگوی قدرتمند چپ و سوسیالیسم، به بلندگوی قدرتمند کارگر و مردم آزادیخواه برای رهائی از شر حکومت اسلامی و از کل فقر و محرومیتی که نظام گنبدیده سرمایه داری به اکثریت عظیم محبوب ترین رسانه فارسی زبان تبدیل شده است. تلویزیون انترناسیونال ابزار پیشروی جنبش سرنگونی، ابزار پیشروی جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهانه مردم ایران است و امروز نقش مهمی در بسیج مردم پیدا کرده است.

آنچه امروز در ایران اتفاق افتاد، نشان داد که انقلاب ایران چپگرا و سوسیالیستی است. نشان داد که بر پرچم این انقلاب شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران نقش خواهد بست. حزب کمونیست کارگری اینرا تضمین خواهد کرد. جامعه ایران تشنه سوسیالیسم، تشنه آزادی و برابری و رفاه، تشنه يك خانه تکانی عمیق از مذهب است و حزب کمونیست کارگری آماده است به این نیاز عمیق و تاریخی جامعه ایران با تمام قوا

پاسخ دهد. نه جنبش اسلامی، نه جنبش قومی و ناسیونالیستی، نه جنبش دست راستی پروغرب حریف آزادیخواهی، برابری طلبی و عدالتخواهی ریشه دار و قدرتمند در جامعه ایران نخواهند شد. شانزده آذر بار دیگر نشان داد که حزب کمونیست کارگری حرف دل مردم را میزند و نماینده آزادهای انسانی آنها است.

حزب کمونیست کارگری به فعالین و سازمان دهندگان ۱۶ آذر در داخل و خارج کشور، به آنها که به هر نحو در برگزاری این روز تلاش کردند درود میفرستد و همه مردم آزادیخواه و برابری طلب را به گرد آمدن حول پرچم آزادی و برابری، به گرد آمدن حول نان و آزادی برای همه، به گرد آمدن در صفوف خود فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ آذر ۱۳۸۳
۶ دسامبر ۲۰۰۴

گرامیداشت سالگرد تشکیل حزب در شهر سنندج

سیزدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران در شهر سنندج گرامی داشته شد.

در بسیاری از محلات شهر شعارهای زنده باد حزب کمونیست کارگری، زنده باد منصور حکمت، نقش بسته بود

و در برخی دیگر از محلات نیز، آرم حزب کمونیست کارگری بر در و دیوارهای شهر کشیده شده بود.

در این روز در محلات مختلف تجمعاتی برگزار شد و در این تجمعات درمورد نقش حزب کمونیست کارگری در

مبارزات مردم، اهداف حزب و مجموعه فعالیتهايش صحبت شد و سالگرد تشکیل حزب جشن گرفته شد. در یکی از این جمعها پیام حمید تقوایی خوانده شد و سپس تا پاسی از شب این جمع به شادی پرداختند.

در محلات کمیز، شهرک سعیدی، مبارک آباد، محله غفور، در ابتدای خیابان حسن آباد، خیابان فرح، در کوچه های ۲۵ شهرسور، در خیابان اکباتان آرم بزرگی بر دیوار نقش بسته بود که بعد از ۲۴ ساعت مامورین رژیم اسلامی،

نتوانسته بودند، آن را پاک کنند.
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۳۸۳ - ۶ نوامبر ۲۰۰۴
۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷
asangaran@aol.com



محمد شکوهی

پیرامون بیانیه مشترک حزب دمکرات و حزب پان ایرانیست

بعد از پیام تبریک مصطفی هجری دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران به جورج بوش به مناسبت انتخاب مجدد وی به سمت ریاست جمهوری آمریکا و درخواست این حزب از بوش برای کمک در امر تحقق دموکراسی در ایران، اخیراً حزب دموکرات کردستان ایران بیانیه مشترکی نیز با حزب پان ایرانیست، تحت عنوان بیانیه مشترک در راه استقرار دموکراسی و حاکمیت ملی صادر کرده است. هر کسی که این بیانیه را مرور کرده باشد، یاد سال ۱۳۵۷، سال اوج گیری انقلاب مردم، تلاش ها و تقلاهای احزابی چون حزب پان ایرانیست و به خصوص چهره "جنجالی" آن محسن پزشکپور در دفاعش از رژیم سلطنتی، به بهانه "اتحاد و یکپارچگی ایران، جلوگیری از خطر تجزیه ایران، خطر ایرانستان شدن ایران" ایرانیست می افتد. از این نوع احزاب در مقاطع بحرانی سال های آخر رژیم سلطنتی با رسالت جلوگیری از سرنگونی رژیم سلطنتی و مقابله با انقلاب مردم فت و فراوان ساخته شدند.

اما این بیانیه چه می گوید؟ محور اصلی بیانیه مشترک و جهتگیری که در آن مطرح شده است، بشدت ناسیونالیستی، عظمت طلبانه و علنا و آشکارا بر علیه مبارزات مردم ایران، بویژه جنبش سرنگونی طلبی می باشد. این بیانیه می گوید: "عدالت، دموکراسی، برابری اقوام ایرانی، تقسیم قدرت اداری و اداره سرنوششان از طریق همه پرسی آزاد و تحت نظر نهادهای بین المللی و تغییر حاکمیت جمهوری اسلامی به حاکمیت ملی و مردمی تنها راه ممکن می باشد." این کل جوهر بیانیه مذکور می باشد. نکته مهمی که در اینجا اهمیت دارد و باید به آن

حزب پان ایرانیست در دهه ۳۰ شمسی و بنابر تاریخچه ای که روی سایت اینترنتی اش گذاشته برای "جنگ با دشمنان ایران و جلوگیری از تجزیه ایران و حفظ وحدت و یکپارچگی ایران زمین" درست شده است. دو محور اساسی و استراتژیک اعلام شده این حزب "خاک و خون" می باشد. اسم نشریه اش هم خاک و خون است. این حزب دو بار در تاریخ حیات سیاسی و اعلام موجودیتش در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده است. هر دویارش هم در مقاطع بحرانی جامعه ایران. بار اول در دهه ۱۳۳۰ شمسی و در جریان اوج گیری مبارزات مردم بر علیه رژیم سلطنت تضعیف شده که مصادف بود با جنبش های ملی در کردستان و آذربایجان. بار دوم حضور فعال سیاسی این حزب در جریان به اصطلاح "فضای باز سیاسی" زمان دولت شریف امامی و این بار با شعار برای "ایرانی متحد و یکپارچه و بر علیه ارتجاع سرخ". چهره شناخته شده این حزب محسن پزشکپور که از "نعمت فضای باز سیاسی" آخرین سال عمر حکومت سلطنت پهلوی برخوردار شده بود، شروع به عریضه کشی های ناسیونالیستی و ارتجاعی بر علیه انقلاب مردم ایران نمود. این جناب در کنار ازهاری فرماندار نظامی وقت تهران و در حمایت از سرکوب های سیاسی و خونین تظاهراتهای مردم ایران بر علیه رژیم پهلوی، عملاً در کنار سرکوبگران انقلاب مردم قرار گرفت. در دوره نخست وزیری بختیار، شریف امامی در آخرین دولت رژیم پهلوی شرکت کرد. از طرف این حزب محمد رضا عاملی به سمت وزارت رسید و برخی مقامات این حزب به پستهای دولتی نیز منصوب شدند.

یک نگاه کوتاه به سایت اینترنتی این حزب و مرور اهداف و مواضع آن کافی است هر خواننده را به یاد چکمه پوشان سپاهپوش فاشیست در دهه ۳۰ بیاندازد. فرمولبندی هایی چون اصل "خون و خاک"، سرزمین و میهن حقیقی، طبیعی و تاریخی ایرانیان، ادعاهای ارضی ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی برای الحاق تاجیکستان، افغانستان به امپراطوری فارس" از جمله جهت گیریهای اعلام شده این حزب می باشند. حزب دموکرات با چنین

می کنند. همه به یک زبان و به یک ادبیات و فرهنگ سخن می گویند. انقلاب از نظر این جریانات یعنی هرج و مرج، خطر تجزیه، دست بالا پیدا کردن چپ و کمونیستها، دست بالا پیدا کردن کارگران و مردم در رقم زدن روندهای سیاسی آتی جامعه ایران به نفع مردم ایران، انقلاب یعنی پیروزی چپ و کمونیسم. این احساس خطر از یک طرف و رادیکالیزه شدن جنبش سرنگونی خواهی مردم ایران این جنابان را به صرافت "اتحاد عمل" در رویارویی با این اوضاع کرده است. حزب دموکرات و رهبری آن در کنار حزب پان ایرانیست، حزب ناسیونالیستهای عظمت طلب و فاشیست ایرانی رویای "ایرانی نیرومند، آباد و آزاد و برخوردار از اقوام ایرانی از حقوق برابر با ملیت ایران" را می بیند که قرار است "قوم کرد" و ناسیونالیسم کرد در آن به خاطر "خون ایرانی داشتن و تعلق به خاک ایران" به نان و نوایی برسند. برای پذیرفته شدن به این "جبهه نجات ایران" باید از برخی ادعاهای دست شست تا بشود وارد این کلوب شد. حزب دموکرات مدتهاست که این کار را شروع کرده است.

جامعه ایران آستان تحولات مهم و تعیین کننده می باشد. تحولاتی که از قضا در آن جنبش سرنگونی خواهی مردم ایران که بشدت چپ و رادیکال می باشد، دارد مهر خودش را به روندهای آتی سیاسی در ایران می زند. دست بالا پیدا کردن چپ و برابری در این جنبش آن نکته مهم و اساسی است که صف نیروهای راست و ناسیونالیست از طیف های گوناگون و از جمله حزب دموکرات و حزب پان ایرانیست را نگران کرده است.

**ایسکرا را به
دوستان و
آشنایان خود
معرفی کنید**

حزبی بیانیه مشترک صادر کرده و قرار است در راه "تحقق حاکمیت ملی و استقرار دموکراسی" با این حزب وارد صحنه سیاسی ایران بشوند. در این میان روی آوری این حزب به مبارزه بر علیه رژیم اسلامی و وارد شدن به صف نیروهای اپوزیسیون رژیم نتیجه فشار مبارزه و رادیکالیسم مبارزات مردمی و بویژه حضور نیروهای چپ در جنبش مردم کردستان بود که حزب دموکرات را مجبور کرد تا وارد عرصه مقاومت مسلحانه و مبارزه ضد رژیم شود. این حزب امروز با این بیانیه مشترکش عملاً دارد در برابر مبارزه و اعتراض مردم بر علیه جمهوری اسلامی و در یک کلام در برابر جنبش سرنگونی خواهی مردم ایران و انقلاب در حال شکل گیری قرار می گیرد. . . صادر کردن چنین بیانیه هایی و ایجاد این توهم که از طریق همه پرسی و فراندوم می شود حاکمیت جمهوری اسلامی را تبدیل به "حاکمیت ملی" کرد، از نتایج سیاست کنونی رهبری این حزب است. سیاستی که همراه با حزب پان ایرانیست، خیال بازنشستگان سیاسی از طیف های گوناگون ملی - مذهبی گرفته تا جبهه ملچی ها، تا جمهوریخواهان رنگارنگ مقیم خارج تا بخش هایی از عناصر درون حکومت مدتی است پرچمش را بلند کرده اند. به همان اندازه که جنبش سرنگونی خواهی مردم ایران رادیکال تر و جدی تر می شود، نیروهای گوناگون راست و ناسیونالیست از طیف های گوناگون که شاید گاها هیچ خوانایی هم با هم نداشته باشند، به هم نزدیکتر می شوند. در این صف و نیروهای تشکیل دهند آن از همین امروز می شود "جبهه نجات ایران"، جلوگیری از تجزیه ایران" را دید. جبهه ای که دارد در برابر تعرض جنبش سرنگونی و نیروهای چپ و به خصوص حزب کمونیست کارگری ایران، در برابر انقلاب آتی شکل می گیرد. جبهه ای که یک سرش در حکومت، سر دیگرش در خارج کشور بوده و همگی یک هدف و یک سیاست را در برابر انقلاب در حال شکل گیری مردم و چگونگی مقابله با این انقلاب پیش گرفته اند این جبهه، جبهه مهار و کنترل و نهایتاً سرکوب انقلاب است که امروز نیروهایش دارند صفشان را فشرده



سهیلا شریفی

آیا مبارزه مسلحانه در کردستان ضرورت دارد؟ "در پاسخ به یک سؤال"

در مقاطع مختلفی از تاریخ هنگام تحولات پایه‌ای در جامعه و انقلابات عظیم، مردم دست به اسلحه می‌برند و مسلحانه در برابر قدرتهای حاکمه می‌ایستند. گاهی وقتها این حرکتهای مسلحانه فقط مقطعی است و بعد از آرام شدن اوضاع اسلحه‌ها یا در زیرزمینها تا دور آتی مخفی میشوند و یا تحویل مقامات تازه بقدرت رسیده داده می‌شوند. اما گاهی مبارزه مسلحانه سالهای سال به درازا می‌کشد و سنتها و فرهنگهای خاص خود را تولید و باز تولید می‌کند. کردستان نمونه مشخصی از این جنگ مسلحانه دراز مدت است.

مشخص و سنتی دارد و تقریباً همه جا وجه تشابهات مشخصی در این شکل از مبارزه می‌بینیم. اگر فیلم زمین و آزادی (لاند اند فریدوم) را دیده باشید متوجه میشوید که با تبدیل شدن مقاومت مسلحانه توده‌ای به جنگ پارتیزانی دراز مدت و منتقل شدن آن به کوهها و روستاها این مبارزه هم بیشتر اشکال کلاسیک بخود می‌گیرد، (تبدیل شدن زنانی که تا آن زمان همراه دیگران می‌جنگیدند به نیروی پشت جبهه و آشپز و پرستار نمونه تیپیک این تغییر است).

سازمان و نیروی مسلح پیشمرگ معمولاً در روستاها و در میان روستائیان فعالیت می‌کند و در بهترین حالت گاهی به عملیتهای داخل شهری هم دست می‌زند. اما فونکسیون آن عموماً غیر شهری و روستائی است و به همین دلیل از خواسته‌ها و مطالبات مردم روستا نیرو می‌گیرد و باز تولید میشود. اولین تاثیر این نوع فعالیت دور شدن از بطن مبارزات کارگری و توده‌ای مردم در شهرها و کم‌رنگ شدن این نوع مبارزات در استراتژی این سازمانهاست. پیشمرگان فعالین حرفه‌ای هستند که ناچارند خانه و زندگی خود را ترک کنند و تمام وقت در خدمت سازمان و اهداف آن قرار گیرند. در این سنت پیشمرگ مسلح نیروئی مافوق مردم و ناجی آنها محسوب میشود. ظاهراً تنها اوست که مبارزه می‌کند و تلاش می‌کند رژیم را سرنگون کند یا با آن از در مذاکره و بند و بست در آید. مردم و مبارزات آنها صرفاً پشت جبهه این نیرو و در دفاع از آن معنی پیدا می‌کنند. اعتصابات کارگری، مبارزات زنان، تظاهراتهای شهری و حرکتهای اعتراضی دیگر ممکن است رژیم را ضعیف کنند، اما به زعم طرفداران این سنت، نهایتاً نیروی پیشمرگ است که از پشت کوهها سرازیر میشود و مردم را نجات می‌دهد و

جامعه را آزاد می‌کند.

در کردستان ایران جریان مارکسیسم انقلابی و کمونیسم کارگری به رهبری منصور حکمت تلاش کرد این سنت مبارزاتی را تحت تاثیر قرار داده و آنرا بعنوان شاخه مسلح يك جنبش وسیع تر اجتماعی باز تعریف کند. تحت آموزشهای منصور حکمت نیروی پیشمرگ کومله توانست چهره متفاوتی از این جنبش ارائه دهد و سنتهای متفاوتی را رواج دهد. مسلح کردن زنان و تلاش در آگاه کردن مردم منطقه و تلاش برای عوض کردن تصور عمومی از نقش و جایگاه پیشمرگ از یکطرف و کمک به رشد و شکل گرفتن اعتراضات کارگری از طرف دیگر نمونه‌های برجسته این تغییر و تحولات بودند. اما نهایتاً این سنت مهر طبقه خاصی را بر خود داشت که توسط کمونیستها و به اجبار شرایط مورد استفاده قرار گرفته بود. منصور حکمت در مقاله‌ای تحت عنوان مبارزه مسلحانه در کردستان در خصوص این تلاشها و نتیجه آنها می‌گوید: "کومله بر مبنای رادیکالیسم سیاسی اش در طول زمان در این سنتها دخل و تصرف کرد و تعدیلاتی بوجود آورد. اما این نه به یک نگرش متفاوت و مستقل بلکه به لیستی از اصلاحیه‌ها و نرملهای التقاطی در چهار چوب همان سنت ناسیونالیستی مبارزه مسلحانه منجر شده است. ماحصل اینکه مبارزه مسلحانه کومله نه انسجام سبک کاری و روشی مبارزه احزاب ناسیونالیست را داشته و نه راه حل‌های مستقل و جامع خود را برای حل معضلات عملی این مبارزه پیدا کرده است. در مجموع می‌توان گفت که کومله در عمل حتی خود را با مسائل عملی پیچیده تری روبرو دیده که احزابی نظیر حزب دمکرات در چهارچوب سبک کار سنتی برای آنها پاسخ داشته اند" نا گفته پیداست که همین درجه از تحولاتی که کومله موفق شد در این سبک کار بوجود بیاورد هم باب طبع رهبران ناسیونالیست کرد نبوده و آنها قدرت طلبی و موقعیت خود را با این روشها در خطر می‌دیدند و تا توانستند در مقابل این تحولات مقاومت و ایستادگی کردند. از جنگ تحمیلی حزب دمکرات به کومله گرفته تا مقاومتهای گرایش

ناسیونالیستی در درون کومله و تهدیدات و خط و نشان کشیدنیهای رهبران ناسیونالیست منطقه همه در راستای حفظ و بازتولید همان سنت دیرین مبارزه مسلحانه پیشمرگیتی بودند.

اما در سطح بین المللی و در یکی دو دهه گذشته جنبشهای ملی و به طبع آن شکل سنتی مبارزه مسلحانه دستخوش تحولات زیادی شده و دیگر اهمیت و کارآئی سابق را ندارند. در کردستان ایران هم اکنون بجای تب و تاب مبارزه مسلحانه و پیشمرگاییتی مبارزات شهری و اعتصابات و اعتراضات کارگری، ساختن و تحمیل تشکلهای توده‌ای به رژیم و مبارزه برای حقوق زنان و کودکان به شکل متداول مبارزه مردم تبدیل شده است. و بیشتر این مبارزات ابعادی سراسری تر دارد و دیگر ویژگی خاص کردستانی خود را از دست داده است. امروز جوانی که در یکی از شهرهای کردستان بدنیا آمده و بزرگ شده است، بدلیل منافع مشترک و هم‌سرنوشتی اش با مردم سایر نقاط ایران و همچنین تضعیف سنت پیشمرگایته تی ترجیح می‌دهد در هماهنگی با مبارزات مردم در سراسر ایران خود را در تشکلهای مشترک و هم‌سرنوشتی اش با مردم با استفاده از اینترنت و وب سایت و وبلاگ و نشریات و رسانه‌های ارتباط جمعی حرف خود را به دیگران برساند و از طریق اعتصابات و تظاهرات و سازمان دادن اعتراضات جمعی مبارزه کند. با وجود آسانتر شدن رفت و آمد به اردوگاههای پیشمرگان در عراق و آسان تر و کم خطر شدن پیشمرگاییتی، کمتر جوانی حاضر است کار و زندگی خود را رها کرده، اسلحه بردارد و در یکی از اردوگاههای مرزی منتظر لحظه موعود برسد.

احزاب ناسیونالیست کرد در سطح منطقه هم دیگر بیشتر در فکر پیدا کردن راههایی برای بند و بست و مذاکره و شریک شدن در قدرت هستند تا جنگ مسلحانه با حکومت مرکزی. حزب دمکرات کردستان ایران حتی شعار همیشگی خود برای خودمختاری را کنار گذاشته و فدرالیسم را بعنوان شعار استراتژیک خود تصویب کرده است. نیروی مسلح این احزاب فعلاً حالت

دکوراسیونی دارد و در اردوگاههای مرزی منتظر روزی است که بتواند به یمن مبارزات مردم از کوهها سرازیر شود و سوار موج اعتراضات مردمی شده و سران خود را به کرسیهای قدرت برساند. حتی نظریه پردازان این جریانها هم دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که شکل سنتی مبارزه مسلحانه، پیشمرگان را که به زعم آنها قرار است رهبران مردم باشند، از بطن مبارزات توده‌ها دور کرده و رهبری این مبارزات را برای آنها دشوار می‌کند.

برای کمونیستها مبارزه مسلحانه هم مانند دیگر عرصه‌های مبارزه می‌تواند در مقاطعی لازم و ضروری شود. اما تا همین سطح و تنها بعنوان یکی از راههای بزرگ کشیدن طبقات حاکمه. برای کمونیستها این شکل مبارزه هیچ تقدسی ندارد و تا جایی که امکان داشته باشد باید سعی کرد از آن پرهیز کرد. اگر شرایط ایجاب کند، مانند سالهای بعد از انقلاب، مبارزه مسلحانه می‌تواند بشکل پیشمرگاییتی و جنگ پارتیزانی و مقاومت مسلحانه پیش برده شود (آنها نه به شکل سنتی و رایج آن) و هر وقت هم شرایط متفاوت باشد، می‌تواند بشکل هسته‌های مسلح داخل شهری و تسلیح توده‌ای پیش برده شود.

با وجود این و دقیقاً بخاطر موجود بودن این سنت و حضور نیروهائی که هنوز شکل مسلحانه خود را حفظ کرده‌اند، لازم است که فعالین کمونیست در شهرهای کردستان هم آمادگی بیشتری داشته باشند و بتوانند در صورت لزوم بلافاصله و بسرعت مسلح شده و هسته‌های مسلح خود را در سطح شهرها سازمان دهند. بنظر می‌رسد در تحولات آتی ایران شکل تسلیح توده‌ای و هسته‌های مسلح شهری بیشتر می‌تواند جوابگوی پیشبرد اهداف ما باشد. کسانی که در این هسته‌ها متشکل می‌شوند لازم نیست کار و زندگی خود را ترک کنند و به شکل حرفه‌ای و ماورای مبارزات مردمی فعالیت کنند. کاملاً برعکس افراد سازمان یافته در هسته‌های مسلح می‌توانند همچنان مشغول فعالیت روتین در محل کار و زیست خود باشند، می‌توانند در صف اول اعتراضات

اعتصاب کارگران کارخانه شاهو در سندج

۱۷۰ کارگر کارخانه شاهو در سندج از روز یکشنبه ۱۵ آذر در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه دستمزدهایشان، دست از کار کشیدند. کارخانه شاهو یک کارخانه خصوصی است که کارفرما از دو ماه پیش اعلام کرده، بدلیل نداشتن بودجه، حقوق کارگران را پرداخت نمی‌کند. همه کارگران در اعتراض به این رفتار کارفرما متحدانه دست از کار کشیده و اعلام کرده اند که تا پرداخت دستمزدهایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد. تا کنون کارگران نساجی کارگران کارخانه پریس، کارگران کارخانه شیر

پاستوریزه، کارگران پلاستیک کارگران خباز و چندین کارگاه دیگر از این اعتصاب پشتیبانی کرده اند. کارگران شاهو اعلام کرده اند تا رسیدن به مطالبه شان که پرداخت دو ماه حقوق معوقه است به اعتصاب ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از مطالبات کارگران شاهو از همه کارگران در دیگر مراکز کارگری می‌خواهد که از کارگران شاهو حمایت کنند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ آذر ۱۳۸۳ ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

اطلاعیه شماره یک، ۱۶ آذر ۱۶ آذر در شهر سندج

* در دانشگاه کردستان سندج صدها نسخه از تراکت زنده باد آزادی و برابری پخش شده است. شعار نان و آزادی برای همه نیز بر دیوار دانشگاه نقش بسته است. از نیمه شب دیشب در خوابگاه دانشجویان این دانشگاه در خیابان حسن آباد شعار "سوسیالیزم پیا خیز برای رفع تبعیض" بر دیوار راهرو با رنگ قرمز و بشکل برجسته ای نقش بسته بود. مسئولین خوابگاه امروز صبح مشغول پاک کردن آن شدند. هم اکنون ارتباط با این دانشگاه قطع است و کسی را به داخل راه نمی‌دهند. حتی از ورود دانشجویانی که امروز کلاس ندارند جلوگیری شده است. محیط کاملاً نظامی است و لباس شخصی ها وارد دانشگاه شده اند. * در دانشگاه کشاورزی سندج تعداد زیادی از تراکتهای سازمان جوانان کمونیست پخش شده است. * در دانشگاه آزاد سندج شعار زنده باد آزادی و برابری بر دیوارهای اطراف دیده میشود. در خیابان ده نمکی نیز در کنار شعارهای مربوط به ۱۶ آذر، شعار زنده باد کارگران نساجی دیده میشود. زنده باد آزادی، زنده باد برابری کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

ادامه آيا مبارزه مسلحانه در كردستان

کارگری و توده ای مردم باشند، می توانند از چهره های علنی و سرشناس جنبشهای مختلف اجتماعی باشند، می توانند مشغول سازمان دادن انجمنهای آزادی و برابری باشند و غیره و در همان حال هم آموزشهای لازم را ببینند و آماده باشند که به محض اینکه تعادل قوا به هم خورد و شرایط ایجاب کرد، ابزار وجود نظامی کرده و اجازه ندهند سازمانهای دست راستی و ناسیونالیستی که نیروی مسلح حرفه ای دارند از این موقعیت سوء استفاده کنند. اشکال پیشبرد این عرصه از کار را قطعاً کسانی که با آن درگیرند و آنهایی که درگیر سازمان دادن آن هستند بیشتر می توانند روشن کنند و بنا به شرایط هر منطقه دقیقتر نقشه عمل آنرا بریزند. چیزی که حائز اهمیت است درک ضرورت اینکار و واقف بودن به شرایط ویژه تر کردستان در اینمورد است. وظیفه ما کمونیستهاست که آمادگی لازم را داشته باشیم و اجازه ندهیم نیروهای قوم پرست و ناسیونالیست کرد فقط به یمن داشتن چند پیشمرگ مسلح در یکی از روستاهای عراق بتوانند بر دوش مردم معترض سوار شده و سناریوی غیر انسانی خود را پیاده کنند. باید به ازای هر پیشمرگ مسلحی که این نیروها می توانند از پشت کوهها سرازیر کنند، دهها هسته مسلح کمونیست سر از زمین بیرون بیاورند و به حراست از انقلاب و دستاوردهای آن بپردازند. چیزی که واضح است این است که مبارزه مسلحانه ای که ما کمونیستها به آن روی می آوریم چه مبارزه پارتیزانی دراز مدت و چه تسلیح توده ای و یا سازمان نظامی شهری باید از سنتها و قواعد کاملاً متفاوتی برخوردار باشد و در چهارچوب و جهت تکمیل اعتراضات و مبارزات کارگری عمل کند.

به: عفو بین الملل به: کلیه سازمانهای مدافع حقوق انسان

در مقابل آدم ربائی جمهوری اسلامی ایران عکس العمل فوری لازم است روز دوشنبه ۲۸ نوامبر ۲۰۰۴، مامورین حکومت اسلامی در یورش به یک منزل در شهر بوکان، اهالی خانواده را مورد اذیت و آزار قرار داده و سه برادر به اسامی عزالدین، یاسین و محسن حسینی را با خود برده اند. در پاسخ به مراجعه اعضای خانواده حسینی به سازمان اطلاعات حکومت اسلامی در شهر بوکان، از این دستگیری اظهار بی اطلاعی شده است. کسی ننمیداند که این سه برادر در کجا هستند و یا در کدام بازداشتگاه بسر میبرند. سرنوشت این سه برادر که از یک خانواده سرشناس و محبوب شهر هستند نه تنها اعضای خانواده که مردم شهر را بشدت نگران کرده

است. یورش شبانه به منازل و دستگیری و زندانی کردن مخالفین حکومت، و سپس اظهار بی اطلاعی کردن و حتی سر به نیست کردن دستگیرشدگان، یک روش شناخته شده حکومت اسلامی است. موقعی که جمهوری اسلامی جرات دستگیری در روز روشن و در ملأ عام را ندارد، دست به آدم ربائی میزند و در صورت عکس العمل ضعیف در مقابل خود دستش برای هرجنایتی بازتر است. از شما تقاضا میکنیم به این مورد بطور جدی توجه کنید و سریعاً عکس العمل نشان دهید. با توجه به موقعیت شکننده جمهوری اسلامی، فشارهای بین المللی بسیار موثر خواهد بود. با احترام محمد آسنگران

اعتصاب کارگران کارخانه شاهو با موفقیت به پایان رسید.

طبق اخباری که به دست ماریسیده است، کارگران شاهو بعد از دو روز اعتصاب برای گرفتن دو ماه دستمزد معوقه خود، دیروز سه شنبه به سر کار خود بازگشتند. این تصمیم بدنبال عقب نشینی کارفرما و اعلام پرداخت فوری دستمزدهای معوقه انجام شد و کارگران در حالیکه توانستند، با دو روز اعتصاب کارفرما را وادار به عقب نشینی کنند، کار خود را از سر گرفتند. کمیته کردستان حزب

کمونیست کارگری ایران این پیروزی را به کارگران شاهو تبریک میگوید. حرکت اعتراضی کارگران شاهو نشان داد که فقط با اتحاد و مبارزه و اعتراض میتوانیم سرمایه داران را به عقب نشینی وادار کنیم. حمایت فوری کارگران کارخانه های دیگر و کارگران کارگاههای متعدد از این حرکت يك گام مهم دیگر در ابراز همبستگی کارگری بود و نقش جدی در عقب راندن کارفرمایان داشت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۹ دسامبر ۲۰۰۴ - ۱۸ آذر ۱۳۸۳ ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷ asangaran@aol.com